

بیست صاحب نظر و فعال اقتصادی به پرسش «دنیای اقتصاد» پاسخ دادند

مسیر احیای صنعت و معدن

تغییر رویکرد در انرژی، واقعیات تسهیلات، بخش خصوصی دارند. آنها معتقد نقش سیاستگذار بتواند بار دیگر

ناترازی های ساختاری در حوزه انرژی، تامین مالی، سیاستگذاری و حکمرانی اقتصادی آسیب دیده است.

فعالان این حوزه معتقدند ناترازی برق و گاز، افزایش هزینه های تولید، دشواری تامین مواد اولیه، محدودیت های ارزی، بی ثباتی مقررات، موانع تجارت خارجی و پیامدهای تحریم ها، توان تولید و سرمایه گذاری بنگاه ها را کاهش داده است. از نگاه آنها، تداوم حمایت های مقطعی نمی تواند زمینه ساز توسعه صنعتی شود و احیای این بخش نیازمند



صنعت در انتظار کاه

هریوک یارپاخانیان
رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی تهران

برای احیای صنعت کشور، نخستین اقدام ایجاد ثبات و کاهش تنش ها است. بخش صنعت در شرایط فعلی بیش از هر چیز نیازمند آرامش و امکان برنامه ریزی است تا بتواند انرژی و منابع خود را صرف بازسازی، جبران آسیب های وارد شده و تامین مواد اولیه کند. تا زمانی که نااطمینانی ها ادامه داشته باشد، نه سرمایه گذاری شکل می گیرد و نه بنگاه ها امکان حرکت به سمت توسعه را خواهند داشت. فعالیت عادی صنعت، به ویژه در شرایط فعلی، نیازمند بازگشت جریان تجارت به مسیر طبیعی است، همگی را خواهند داشت. فعالیت عادی صنعت، به ویژه در شرایط و تسهیل واردات مواد اولیه و تجهیزات، از جمله پیش شرط های بازگشت تولید به شرایط عادی است. اختلال در زنجیره تامین، بسیاری از واحدهای صنعتی را با کمبود مواد اولیه و قطعات

توسعه تجارت؛ ش

محمد لاهوتی
رئیس کنفدراسیون صادرات ایران

سال گذشته برای اقتصاد کشور، سالی متفاوت و پر از شوک های پیش بینی نشده بود. حادثه بنفشه در جایی، جنگ ۱۲ روزه، شرایط پس از آن و ادامه وضعیت نه جنگ و نه صلح، در کنار حملات اخیر، بر فضای اقتصادی کشور اثر گذاشتند. طبیعی است که در چنین شرایطی، نخستین بخشی که تحت فشار قرار می گیرد، بخش تولید است، چرا که واحدهای صنعتی همزمان با مشکلاتی مانند کمبود نقدینگی، دشواری تامین مواد اولیه و اختلال در فرآیند تولید مواجه می شوند. در این دوره، یکی از مهم ترین چالش های صنایع، محدودیت در تامین مواد اولیه و طولانی شدن فرآیند تخصیص ارز بود. عدم تامین به موقع منابع ارزی، باعث شد برخی واحدهای تولیدی با کمتر از ظرفیت واقعی خود فعالیت کنند. از سوی دیگر، ناترازی برق در تابستان و گاز در زمستان، هزینه های تولید را افزایش

کلید احیای صنعت طلا

دولت ها و فعالان اقتصادی تغییر می کند و بخشی از ذخایر طلا برای تامین نقدینگی، انرژی و کالاهای ضروری به فروش می رسد، همین موضوع می تواند بر قیمت جهانی طلا اثر بگذارد.

تحولات بازار انرژی نیز نقش مهمی در این روند دارد؛ به گونه ای که افزایش قیمت نفت در برخی مقاطع، با کاهش

ضرورت حفظ توان تولید

از ظرفیت خود بار مشکلات اقتصادی را بر دوش بکشد و نه دولت با توجه به محدودیت های بودجه ای، هزینه های ناشی از شرایط جدید و فشارهای اقتصادی، امکان حمایت گسترده از همه بخش های تولیدی را دارد. بنابراین، راهکار اصلی در این مرحله، تسهیلگری و برداشتن موانعی است که هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش می دهد. در شرایطی که منابع محدود است، کشور نباید اجازه دهد فرصت ها، سرمایه ها و ظرفیت های موجود از بین برود. کاهش موانع تولید، تسهیل فرآیندهای تجاری، کاهش سختگیری های غیر ضروری و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بنگاه ها، می تواند بخشی از فشار موجود را کاهش دهد. امروز اقتصاد کشور ظرفیت دولتی و بخش خصوصی باید در کنار یکدیگر تلاش کنند تا با حفظ ظرفیت های موجود، اشتغال و تولید را صیانت کنند. بازگرداندن ظرفیت هایی که از دست می روند، هزینه ای بسیار بیشتر از حفظ خواهد داشت. در این مقطع، مهم ترین سیاست صنعتی باید حفظ توان تولیدی کشور باشد.

بازگشت منطق اقتصادی به صنعت برق

باید صریح گفت: خاموشی تنها نتیجه کمبود نیروگاه نیست، بلکه محصول سال ها تأخیر در اصلاح سیاست های اقتصادی این صنعت است. نیروگاه را نمی توان در مدت کوتاهی احداث کرد، شبکه را نمی توان یک شبه توسعه داد و سرمایه گذار را نیز نمی توان با بازگشت سرمایه نامطمئن، به حضور بلند مدت امیدوار کرد. تا زمانی که اقتصاد برق را تعادل بر خوردار نباشد، فاصله عرضه و تقاضا نیز هر سال عمیق تر خواهد شد، راه برورفت، روشن است؛ اصلاح تدریجی و هوشمندانه تعرفه ها، هدفمند شدن بارها، تسویه منظم مطالبات صنعت برق، ایجاد محیطی قابل پیش بینی برای سرمایه گذاری و مدیریت سمت تقاضا، مهم ترین اقداماتی هستند که می توانند تعادل را به این صنعت بازگردانند. در کنار این موارد، کاهش تلفات شبکه، افزایش راندمان نیروگاه ها و توسعه انرژی های تجدیدپذیر نیز باید با پشتوانه مالی و سیاستی پایدار دنبال شود. صنعت برق بیش از هر زمان دیگری به بازگشت منطق اقتصادی نیاز دارد. اگر این اصلاحات به تعویق بیفتد، ناترازی مالی به ناترازی فنی و در نهایت به چالشی پایدار برای اقتصاد کشور تبدیل خواهد شد.

کلید احیای صنعت طلا

بین المللی، به شدت از تحولات سیاسی، منطقه ای و اقتصادی تأثیر می پذیرد. افزایش نااطمینانی ها، به ویژه در شرایط جنگ و تنش های امنیتی، باعث می شود روند طبیعی فعالیت در این بازار با اختلال مواجه شود و نوسانات قیمتی افزایش یابد. در شرایط عادی، بسیاری از کشورها برای حفظ ذخایر خود به خرید طلا روی می آورند، اما در دوره های بحران، اولویت

ضرورت حفظ توان تولید

از ظرفیت خود بار مشکلات اقتصادی را بر دوش بکشد و نه دولت با توجه به محدودیت های بودجه ای، هزینه های ناشی از شرایط جدید و فشارهای اقتصادی، امکان حمایت گسترده از همه بخش های تولیدی را دارد. بنابراین، راهکار اصلی در این مرحله، تسهیلگری و برداشتن موانعی است که هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش می دهد. در شرایطی که منابع محدود است، کشور نباید اجازه دهد فرصت ها، سرمایه ها و ظرفیت های موجود از بین برود. کاهش موانع تولید، تسهیل فرآیندهای تجاری، کاهش سختگیری های غیر ضروری و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بنگاه ها، می تواند بخشی از فشار موجود را کاهش دهد. امروز اقتصاد کشور ظرفیت دولتی و بخش خصوصی باید در کنار یکدیگر تلاش کنند تا با حفظ ظرفیت های موجود، اشتغال و تولید را صیانت کنند. بازگرداندن ظرفیت هایی که از دست می روند، هزینه ای بسیار بیشتر از حفظ خواهد داشت. در این مقطع، مهم ترین سیاست صنعتی باید حفظ توان تولیدی کشور باشد.

بازگشت منطق اقتصادی به صنعت برق

باید صریح گفت: خاموشی تنها نتیجه کمبود نیروگاه نیست، بلکه محصول سال ها تأخیر در اصلاح سیاست های اقتصادی این صنعت است. نیروگاه را نمی توان در مدت کوتاهی احداث کرد، شبکه را نمی توان یک شبه توسعه داد و سرمایه گذار را نیز نمی توان با بازگشت سرمایه نامطمئن، به حضور بلند مدت امیدوار کرد. تا زمانی که اقتصاد برق را تعادل بر خوردار نباشد، فاصله عرضه و تقاضا نیز هر سال عمیق تر خواهد شد، راه برورفت، روشن است؛ اصلاح تدریجی و هوشمندانه تعرفه ها، هدفمند شدن بارها، تسویه منظم مطالبات صنعت برق، ایجاد محیطی قابل پیش بینی برای سرمایه گذاری و مدیریت سمت تقاضا، مهم ترین اقداماتی هستند که می توانند تعادل را به این صنعت بازگردانند. در کنار این موارد، کاهش تلفات شبکه، افزایش راندمان نیروگاه ها و توسعه انرژی های تجدیدپذیر نیز باید با پشتوانه مالی و سیاستی پایدار دنبال شود. صنعت برق بیش از هر زمان دیگری به بازگشت منطق اقتصادی نیاز دارد. اگر این اصلاحات به تعویق بیفتد، ناترازی مالی به ناترازی فنی و در نهایت به چالشی پایدار برای اقتصاد کشور تبدیل خواهد شد.

کلید احیای صنعت طلا

بین المللی، به شدت از تحولات سیاسی، منطقه ای و اقتصادی تأثیر می پذیرد. افزایش نااطمینانی ها، به ویژه در شرایط جنگ و تنش های امنیتی، باعث می شود روند طبیعی فعالیت در این بازار با اختلال مواجه شود و نوسانات قیمتی افزایش یابد. در شرایط عادی، بسیاری از کشورها برای حفظ ذخایر خود به خرید طلا روی می آورند، اما در دوره های بحران، اولویت

در تله امتیاز

است صنعت کشور احیا شود، باید این ساختار به صورت همزمان اصلاح شود. کاهش تدریجی حمایت های قیمتی و اصلاح نظام پارتی ای باید همراه با رفع موانعی باشد که مانع رشد صنایع شده اند. ساده سازی مقررات، بهبود روابط بین المللی برای دسترسی به بازارهای صادراتی و فناوری، و ایجاد امکان رقابت واقعی برای بنگاه ها، از الزامات بازگشت صنعت به مسیر توسعه است. افزایش هزینه های تولید بدون اصلاح موانع ساختاری، تنها فشار بیشتری به واحدهای صنعتی وارد می کند. در شرایطی که بنگاه ها با محدودیت بازار، دشواری دسترسی به فناوری و نااطمینانی های اقتصادی مواجه هستند، افزایش هزینه انرژی و سایر بهادها می تواند توان ادامه فعالیت آنها را کاهش دهد. سرمایه گذاری مهم ترین نیاز صنعت است و سرمایه گذار زمانی وارد میدان می شود که چشم انداز آینده روشن باشد. استمرار نااطمینانی، چه ناشی از شرایط اقتصادی و چه تحولات سیاسی، انگیزه سرمایه گذاری را کاهش می دهد و می تواند وضعیت تولید را در ماه های آینده دشوارتر کند. برای بازگشت صنعت به مسیر رشد، باید همزمان هم موانع را برداشت و هم مسیر رقابت و توسعه را برای بنگاه ها باز کرد.

هموار سازی مسیر تولید با ایجاد ثبات

حد امکان موانع پیش روی تولید را کاهش دهد، تامین ارز، مشکلات مربوط به ناترازی آب و برق، دشواری های تامین مالی و محدودیت های موجود در مسیر صادرات و واردات، از جمله موضوعاتی است که نیازمند تصمیم گیری جدی است. یکی از دغدغه های اصلی صنایع در ماه های اخیر، محدودیت های انرژی بوده است. اگر چه تا کید شده بود که اولویت با حفظ فعالیت صنایع باشد، اما قطعی برق همچنان بسیاری از واحدهای تولیدی را تحت فشار قرار داده است. کاهش این محدودیت ها و تامین پایدار انرژی، از الزامات حفظ تولید است. همچنین باید زمینه برای ارتباطات اقتصادی، توسعه صادرات، واردات مواد اولیه و دسترسی به فناوری های روز دنیا فراهم شود. صنعت کشور برای رقابت و رشد، علاوه بر منابع مالی، به تعامل اقتصادی و امکان استفاده از دانش و تجهیزات جدید نیاز دارد.

اگر ثبات و امنیت اقتصادی در کنار رفع موانع تولید فراهم شود، بخش صنعت می تواند بار دیگر نقش خود را به عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی کشور ایفا کند.

صنعت و معدن در انتظار تغییر نگاه دولت

از موانع داخلی مانند ناترازی انرژی، قطعی برق و گاز، فرسودگی ماشین آلات، دشواری تامین تجهیزات و قطعات، محدودیت های مالی، مشکلات حمل و نقل و بی ثباتی سیاست های ارزی مواجه است. در چنین شرایطی، افزایش هزینه های تولید تنها توان رقابت بنگاه ها را کاهش می دهد. بخش معدن با وجود برخورداری ایران از ذخایر قابل توجه معدنی، برای تبدیل شدن به یک مزیت اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری، فناوری، زیرساخت و ثبات مقررات است. در این میان، حقوق دولتی معدن نیز باید از یک ابزار درآمدی برای توسعه این بخش تبدیل شود و منابع حاصل از آن به اکتشاف، زیرساخت های معدنی، بازسازی معادن و حمایت از فعالیت های معدنی بازگردد. تسهیل تامین ماشین آلات، اصلاح سیاست های ارزی، کاهش موانع صادراتی، محاسبه حقوق دولتی بر مبنای استخراج واقعی و حمایت از معادن کوچک و متوسط، از جمله اقداماتی است که می تواند به حفظ تولید و اشتغال کمک کند. صنعت و معدن زمانی می توانند موتور رشد اقتصاد ایران باشند که دولت نقش خود را از دریافت کننده درکند به تسهیل گر توسعه تغییر دهد. مسیر رشد پایدار از تقویت تولید، سرمایه گذاری و صادرات عبور می کند.

صنعت؛ قربانی برق ارزان

صنایع هزینه آن را پرداخت می کنند. در سال گذشته، برخی واحدهای صنعتی به دلیل محدودیت های انرژی، جنگ و مشکلات گاز، تنها حدود ۱۵۶ روز امکان فعالیت داشتند؛ در حالی که یک صنعت برای فعالیت متعارف باید نزدیک به ۳۰۰ روز در سال تولید کند. این یعنی بخشی از ظرفیت تولید کشور به دلیل نبود انرژی پایدار از دست رفته است. حل این مساله نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی برق واقعی سازی قیمت هاست. حمایت از مصرف کننده باید از مسیر هدفمند انجام شود، نه با تضعیف کل صنعت برق. در کنار آن، باید مدیریت مصرف نیز مورد توجه قرار گیرد. امروز حدود ۶ هزار مگاوات برق در ساعات نیمه شب، مارا وجود دارد که می توان با توسعه ذخیره سازی انرژی، آن را برای ساعات اوج مصرف روز مود استفاده قرار داد. فناوری ذخیره سازی در جهان توسعه یافته و استفاده از کنتورهای هوشمند و تعرفه گذاری صحیح می تواند این ظرفیت را فعال کند. توسعه صنعتی بدون برق پایدار امکان پذیر نیست و اصلاح صنعت برق، پیش شرط بازگشت رونق به تولید است.

برق پایدار؛ محرک رشد صنعت

نیروگاه ها و زیرساخت های برق را تامین کند، اما امروز با کاهش منابع مالی، دیگر امکان ادامه این مسیر وجود ندارد. ادامه این وضعیت باعث شده است نه دولت توان کافی برای سرمایه گذاری در توسعه صنعت برق داشته باشد و نه بخش خصوصی امکان حضور موثر و بازگشت سرمایه خود را پیدا کند. نتیجه آن، شکل گیری ناترازی و کمبود برق در کشوری است که برای رشد اقتصادی به توسعه صنعتی نیاز دارد. راهکار، تغییر نقش دولت از مالک و متولی مستقیم به سیاستگذار و تنظیم گر است تا بخش خصوصی بتواند با اطمینان بیشتری در این حوزه سرمایه گذاری کند. توسعه نیروگاه ها و زیرساخت های انرژی بدون حضور فعال بخش خصوصی امکان پذیر نیست.

اگر هدف، رشد اقتصادی و تقویت صنعت کشور است، باید زیرساخت انرژی در اولویت قرار گیرد. صنعت بدون برق پایدار نمی تواند رشد کند و بدون رشد صنعت، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار دشوار خواهد بود.

دکتر محمد مهدی یونکشی
اقتصاددان

مساله اصلی صنعت ایران را باید در مجموعه سیاست هایی جست و جو کرد که طی چند دهه گذشته، فضای فعالیت بنگاه ها را محدود کرده است. در این دوره، از یک سو دسترسی صنایع به بازارهای جهانی، امکان مبادلات خارجی و ارتباط با فناوری های روز کاهش یافته و از سوی دیگر، قیمت گذاری دستوری و انبوه مقررات، آزادی عمل بنگاه ها را محدود کرده است. در کنار این محدودیت ها، برای جلوگیری از تضعیف بیشتر صنایع، مجموعه ای از امتیازات مانند انرژی ارزان، گاز ارزان و سایر حمایت های دولتی در اختیار آنها قرار گرفته است. در نتیجه، تعادل را پایدار شکل گرفته که به صنایع اجازه داده فعالیت خود را ادامه دهند، اما نه به سطحی که بتوانند رشد کنند. رقابت پذیر شوند و در بازارهای جهانی حضور موثری داشته باشند. به بیان دیگر، صنعت در بسیاری از موارد در سطح بقا باقی مانده، نه توسعه، اگر قرار

هموار سازی مسیر تولید با ایجاد ثبات

حد امکان موانع پیش روی تولید را کاهش دهد، تامین ارز، مشکلات مربوط به ناترازی آب و برق، دشواری های تامین مالی و محدودیت های موجود در مسیر صادرات و واردات، از جمله موضوعاتی است که نیازمند تصمیم گیری جدی است. یکی از دغدغه های اصلی صنایع در ماه های اخیر، محدودیت های انرژی بوده است. اگر چه تا کید شده بود که اولویت با حفظ فعالیت صنایع باشد، اما قطعی برق همچنان بسیاری از واحدهای تولیدی را تحت فشار قرار داده است. کاهش این محدودیت ها و تامین پایدار انرژی، از الزامات حفظ تولید است. همچنین باید زمینه برای ارتباطات اقتصادی، توسعه صادرات، واردات مواد اولیه و دسترسی به فناوری های روز دنیا فراهم شود. صنعت کشور برای رقابت و رشد، علاوه بر منابع مالی، به تعامل اقتصادی و امکان استفاده از دانش و تجهیزات جدید نیاز دارد.

اگر ثبات و امنیت اقتصادی در کنار رفع موانع تولید فراهم شود، بخش صنعت می تواند بار دیگر نقش خود را به عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی کشور ایفا کند.

صنعت و معدن در انتظار تغییر نگاه دولت

از موانع داخلی مانند ناترازی انرژی، قطعی برق و گاز، فرسودگی ماشین آلات، دشواری تامین تجهیزات و قطعات، محدودیت های مالی، مشکلات حمل و نقل و بی ثباتی سیاست های ارزی مواجه است. در چنین شرایطی، افزایش هزینه های تولید تنها توان رقابت بنگاه ها را کاهش می دهد. بخش معدن با وجود برخورداری ایران از ذخایر قابل توجه معدنی، برای تبدیل شدن به یک مزیت اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری، فناوری، زیرساخت و ثبات مقررات است. در این میان، حقوق دولتی معدن نیز باید از یک ابزار درآمدی برای توسعه این بخش تبدیل شود و منابع حاصل از آن به اکتشاف، زیرساخت های معدنی، بازسازی معادن و حمایت از فعالیت های معدنی بازگردد. تسهیل تامین ماشین آلات، اصلاح سیاست های ارزی، کاهش موانع صادراتی، محاسبه حقوق دولتی بر مبنای استخراج واقعی و حمایت از معادن کوچک و متوسط، از جمله اقداماتی است که می تواند به حفظ تولید و اشتغال کمک کند. صنعت و معدن زمانی می توانند موتور رشد اقتصاد ایران باشند که دولت نقش خود را از دریافت کننده درکند به تسهیل گر توسعه تغییر دهد. مسیر رشد پایدار از تقویت تولید، سرمایه گذاری و صادرات عبور می کند.

صنعت؛ قربانی برق ارزان

صنایع هزینه آن را پرداخت می کنند. در سال گذشته، برخی واحدهای صنعتی به دلیل محدودیت های انرژی، جنگ و مشکلات گاز، تنها حدود ۱۵۶ روز امکان فعالیت داشتند؛ در حالی که یک صنعت برای فعالیت متعارف باید نزدیک به ۳۰۰ روز در سال تولید کند. این یعنی بخشی از ظرفیت تولید کشور به دلیل نبود انرژی پایدار از دست رفته است. حل این مساله نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی برق واقعی سازی قیمت هاست. حمایت از مصرف کننده باید از مسیر هدفمند انجام شود، نه با تضعیف کل صنعت برق. در کنار آن، باید مدیریت مصرف نیز مورد توجه قرار گیرد. امروز حدود ۶ هزار مگاوات برق در ساعات نیمه شب، مارا وجود دارد که می توان با توسعه ذخیره سازی انرژی، آن را برای ساعات اوج مصرف روز مود استفاده قرار داد. فناوری ذخیره سازی در جهان توسعه یافته و استفاده از کنتورهای هوشمند و تعرفه گذاری صحیح می تواند این ظرفیت را فعال کند. توسعه صنعتی بدون برق پایدار امکان پذیر نیست و اصلاح صنعت برق، پیش شرط بازگشت رونق به تولید است.

برق پایدار؛ محرک رشد صنعت

نیروگاه ها و زیرساخت های برق را تامین کند، اما امروز با کاهش منابع مالی، دیگر امکان ادامه این مسیر وجود ندارد. ادامه این وضعیت باعث شده است نه دولت توان کافی برای سرمایه گذاری در توسعه صنعت برق داشته باشد و نه بخش خصوصی امکان حضور موثر و بازگشت سرمایه خود را پیدا کند. نتیجه آن، شکل گیری ناترازی و کمبود برق در کشوری است که برای رشد اقتصادی به توسعه صنعتی نیاز دارد. راهکار، تغییر نقش دولت از مالک و متولی مستقیم به سیاستگذار و تنظیم گر است تا بخش خصوصی بتواند با اطمینان بیشتری در این حوزه سرمایه گذاری کند. توسعه نیروگاه ها و زیرساخت های انرژی بدون حضور فعال بخش خصوصی امکان پذیر نیست.

اگر هدف، رشد اقتصادی و تقویت صنعت کشور است، باید زیرساخت انرژی در اولویت قرار گیرد. صنعت بدون برق پایدار نمی تواند رشد کند و بدون رشد صنعت، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار دشوار خواهد بود.